مکتب سه تار نوازی ذوالفنون

جلال ذوالفنون

بر پایه‌ی ردیف شور میرزا عبدالله

به کوشش :

سیّد بهزاد جعفری

تهران
نشر هستان
۱۳۸۹

سرشناسه : ذوالفنون، جلال، ۱۳۱۶-
عنوان و نام پدیدآور : مکتب سه تار نوازی ذوالفنون بر پایه ی ردیف شور میرزاعبدالله / تحقیق و اجرا سیدبهزاد جعفری.
مشخصات نشر : تهران :هستان، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : ۹۰ص.:۲۲×۲۹ س م.
شابم : ۴-۰۴-۸۰۲۶۱۲-۰۰-۹۷۹ ۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : موسیقی ایرانی - - دستگاه ها - - ردیف - - پارتیسیون
موضوع : سه تار - - پارتیسیون
شناسه افزوده : میرزاعبدالله، ۱۳۳۷ — ۱۲۶۰ق.
شناسه افزوده : جعفری، سید بهزاد، ۱۳۴۹-
رده بندی کنگره : ML ۳۴۴/۹ز۷م۹ ۱۳۸۸
رده بندی دیویی : ۷۸۹/۱۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۷۲۹۹۶۹۱

نشرآرامش

نشرهستان تهران: خیابان انقلاب روبروی در اصلی دانشگاه تهران خیابان فخررازی خیابان روانمهر پلاک ۷۴ طبقه اول تلفن: ۶۶۴۸۱۱۵۲

مکتب سه تار نوازی ذوالفنون

جلال ذوالفنون

به کوشش: سید بهزاد جعفری

طرح روی جلد: امیرخسرو کاظم

خط نت: هیلا فیض پور

چاپ اول: ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: چاووش

چاپ: افرنگ

صحافی: روشنک

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابم: ۴-۰۴-۸۰۲۶۱۲-۰۰-۹۷۹ ISMN: 979-0-802612-04-4

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

مرکز پخش: درویش خان

تهران: خیابان بهارستان، روبروی پمپ بنزین، پلاک ۱۲۶

تلفن: ۷۷۵۳۴۰۲۲-۷۷۵۳۵۸۳۳

مرکز پخش: فروشگاه اورنگ

تهران: خیابان بهارستان،جنب بیمارستان طرفه،شماره ۱۴۲

تلفن و فاکس: ۷۷۵۳۶۵۷۱-۷۷۵۳۵۸۳۴

فهرست

مقدمه

سخن استاد ۴
پیش‌گفتار ۶
نشانه‌ها ۱۱

بخش اول ردیف شور میرزاعبدالله

درآمد اول ۱۸
درآمد دوم، پنجه‌شعری ۱۹
درآمد سوم، کرشمه ۲۰
درآمد چهارم، رهاب ۲۲
درآمد پنجم، اوج ۲۳
درآمد ششم، ملانازی ۲۴
نغمه‌ی اول ۲۵
نغمه‌ی دوم ۲۶
زیرکش سلمک ۲۷
ملانازی ۲۸
سلمک ۲۹
گلریز ۳۰
مجلس‌افروز ۳۰
عزال ۳۱
صفا ۳۲
بزرگ ۳۲
کوچک ۳۲
دوبیتی ۳۳
خارا ۳۴
قجر ۳۴
حزین ۳۵
شور پائین‌دسته ۳۶
گوشه‌ی رهاب ۳۶
چهارگوشه ۳۷
مقدمه‌ی گریلی ۳۹
رضوی ۴۰
شهناز ۴۳
قرچه ۴۴
شهناز کت ۴۵
رنگ اصول ۴۶
گریلی ۴۸
شهرآشوب ۵۳

بخش دوم قطعات ضربی

شور، ابوعطا

پیش‌درآمد شور ۶۶
دوضربی شور ۶۸
گریلی شستی ۷۰
چهارمضراب ابوعطا ۷۲
هفت‌ضربی شور ۷۴
پیش‌درآمد ابوعطا ۷۶
گریلی ۷۸
محلی بختیاری ۸۰

سه‌گاه

سوگند ۸۲
ضربی مخالف ۸۴
چهارمضراب سه‌گاه ۸۶

به نام خدا

در سالهای اخیر در فضای موسیقی ایران و شاید جهان در کنار تفکرات فرهنگی یک دیدگاه تجاری نیز بوجود آمده . البته تجارت موسیقی هم آنچنان که در بعضی از اذهان می گذرد، مزاوار ملامت نیست چون به هر حال امری است طبیعی و در جهت پاسخگوئی به عرضه و تقاضای جامعه ولی برای اینکه ذهن شنونده سرگردان نشود بهتر است که سوداگران موسیقی اهداف خود را به روشنی و با صمیمیت برای مخاطب خود باز گو کنند تا اهداف تجاری با اهداف فرهنگی تداخل پیدا نکند یا به عبارتی موسیقی گیشه از موسیقی اندیشه متمایز گردد مکتب موسیقی دوازلفون هانطور که اصل فرهنگ مطرح هستند قصد تجارت موسیقی را ندارد بلکه سعی دارد که در جهت فرهنگ سازی گام بردارد . یکی از اهداف این مکتب جبران خلاء های فرهنگی است که در اثر اشتباهات تاریخی از قبیل تحریم ها و محرومیت ها و نابسامانی ها برای مردم ما پیش آمده ، که این هدف از طریق ارائه موسیقی خوب ، برگزاری کنسرت های پژوهشی و ارائه مقاله و غیره تحقق پیدا می کند به این امید که بارقه آگاهی در ذهن مخاطب ما ایجاد و بسوی حقیقت هنر هدایت شود .

کتاب حاضر که شامل بخشی از ردیف میرزا عبداله و چند قطعه ضربی است توسط یار وفادار و علاقمند مکتب دوازلفون آقای بهزاد حسنوی آوانویسی شده . نظر به اینکه الفبای نوشتاری موسیقی بنا به اقتضای فرهنگ های مختلف جهان تغییرات و اضافاتی را ایجاب می کند در این آوانویسی نیز سعی شده که علائم مخصوص جهت انتقال ویژه کاری های تکنیکی تهیه و بکار گرفته شود .

در اینجا لازم می دانم از زحمات ارزشمند آقای حسنوی در جهت آوانویسی و تهیه علائم جدید و همچنین از زحمات خانم هیلا منیض پور در جهت نوت نویسی کامپیوتری کار بسیار حساس و دشوار است تشکر و قدردانی کنم .

حسم دوازلفون

اسفندماه ۱۳۸۸

به‌نام خدا

در سال‌های اخیر در فضای موسیقی ایران و شاید جهان در کنار تفکرات فرهنگی یک دیدگاه تجاری نیز به وجود آمده. البته تجارت موسیقی هم آنچنان‌که در بعضی از اذهان می‌گذرد سزاوار ملامت نیست؛ چون به هر حال امری است طبیعی و در جهت پاسخ‌گویی به عرضه و تقاضای جامعه. ولی برای اینکه ذهن شنوندهٔ سرگردان نشود بهتر است که سوداگران موسیقی اهداف خود را به روشنی و با صمیمیت برای مخاطب خود بازگو کنند تا اهداف تجاری با اهداف فرهنگی تداخل پیدا نکند یا به عبارتی موسیقی گیشه از موسیقی اندیشه متمایز گردد..

مکتب موسیقی ذوالفنون همان‌طور که اهل فرهنگ مطلع هستند، قصد تجارت موسیقی را ندارد؛ بلکه سعی دارد که در جهت فرهنگ‌سازی گام بردارد. یکی از اهداف این مکتب جبران خلأهای فرهنگی است که در اثر اشتباهات تاریخی از قبیل تحریم‌ها و محرومیت‌ها و نابسامانی‌ها برای مردم ما پیش آمده؛ که این هدف از طریق ارائه‌ی موسیقی خوب، برگزاری کنسرت‌های پژوهشی و ارائه‌ی مقاله و غیره تحقق پیدا می‌کند. به این امید که بارقه‌ی آگاهی در ذهن مخاطب ما ایجاد و به‌سوی حقیقت هنر هدایت شود.

کتاب حاضر که شامل بخشی از ردیف میرزا عبدالله و چند قطعه ضربی است، توسط یار وفادار و علاقمند مکتب ذوالفنون آقای بهزاد جعفری آوانویسی شده. نظر به اینکه الفبای نوشتاری موسیقی بنا به اقتضای فرهنگ‌های مختلف جهان تغییرات و اضافاتی را ایجاب می‌کند، در این آوانویسی نیز سعی شده که علائم مخصوص جهت انتقال ریزه‌کاری‌های تکنیکی تهیه و به‌کار گرفته شود.

در اینجا لازم می‌دانم از زحمات ارزشمند آقای جعفری در جهت آوانویسی و تهیه علائم جدید و همچنین از زحمات خانم هیلا فیض‌پور در جهت نوت‌نویسی کامپیوتری که کاری بس حساس و دشوار است تشکر و قدردانی کنم.

جلال ذوالفنون

اسفندماه ۱۳۸۸

پیش‌گفتار

به‌خاطر دارم که در ایام نوجوانی با ضمیری صاف و بی‌آلایش گوش‌جان به نواهای دل انگیز موسیقی می‌دادم و از هر کدام فضایی در ذهن و دلم شکل می‌گرفت که تجسم ادراک من از آن‌ها بود.

در این میان نوای سه‌تاری را می‌شنیدم که سراسر فضایی متفاوت و ویژگی‌های منحصر به فرد داشت. احساس می‌کردم در یک سرای بزرگ، تنها نشسته‌ام و نوازندگان بر روی یک تخت روان قرار دارند و به‌هنگام نواختن پی‌درپی جابه‌جا می‌شوند؛ صدا گاهی از دور و گاه نزدیک، زمانی از روبرو و لحظاتی از پشت سر به‌گوش می‌رسید. بعدها که آشنایی من به موسیقی بیشتر شد، دریافتم که این رنگین‌کمان نواهای دل‌انگیز و روح‌نواز، حاصل باران مضراب یک نفر بود، آرام و ایستا، « استاد جلال ذوالفنون».

این‌که چگونه یک ساز، فضایی به این گستردگی پیدا می‌کند؟ و چطور می‌توان ویژگی‌های آن را فرا گرفت؟ پرسش‌هایی بودند که از آن زمان در ذهنم نقش بستند و پاسخ آن‌ها را مدت‌ها بعد که توفیق هم‌نشینی پیوسته با استاد و درک رموز مکتب سه‌تارنوازی ایشان نصیبم شد، یافتم. از آن‌جا که بهره‌گیری مستقیم و سینه به سینه از استاد، برای همه‌ی هنرجویانی که به یادگیری این مکتب علاقه‌مندند شدنی نیست پس برای انتقال و آموزش آن می‌بایست در پی یافتن راهی ممکن بود؛ راهی که با استفاده از آن بتوان تمامی ریزه‌کاری‌ها، ظرافت‌ها و تکنیک‌های این مکتب و در مجموع موسیقی ایرانی را انتقال داد؛ ظرافت‌ها و حالاتی که چگونگی بیان آن‌ها کیفیت یک قطعه‌ی موسیقی را تعیین می‌کند و باعث تمایز مکاتب گوناگون نوازندگی می‌شود.

اصحاب موسیقی ایرانی به‌خوبی می‌دانند که قابلیت‌های نوشتاری کنونی به هیچ‌روی توانایی انتقال همه‌ی ظرایف این هنر ژرف را ندارند. سامانه‌های صوتی گرچه این کار را آسان می‌کنند ولی آن‌ها هم نمی‌توانند به‌خوبی مشکل‌گشا باشند و برای این منظور، سامانه‌های تصویری مناسب‌ترند؛ اما تمامی آن‌ها وقتی می‌توانند به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار گیرند که در کنارشان اثری مکتوب، شامل تمامی ویژگی‌های موسیقی ایرانی، وجود داشته باشد تا هنرجویان با استفاده از آن به‌صورت تحلیلی با جزئیات کار آشنا گردند و پس از مقایسه با شنیده‌ها و دیده‌های خود از سامانه‌های صوتی و تصویری، حق مطلب را به‌خوبی درک نمایند. هدف اصلی تدوین مجموعه‌ی حاضر، ثبت چنین اثری است که امکان نیل به آن با راهنمایی‌ها و نظارت موشکافانه‌ی استاد ذوالفنون فراهم آمد. برای ثبت این ویژگی‌ها دو راه پیش رو بود. نخست آن‌که تمام حالات و زینت‌های موجود در موسیقی ایرانی را با استفاده از نت بنویسیم. دیگر آن‌که با استفاده از علامت‌ها و نشانه‌هایی ویژه که بر روی نت اصلی قرار می‌گیرند حالت‌ها و زینت‌ها را بیان نماییم.

روش نخست، دو ایراد اساسی دارد:

(۱) تجربه نشان داده است که بسیاری از هنرجویان موسیقی در تشخیص و تفکیک اصل ملودی از زینت‌ها دچار مشکل می‌شوند و زینت‌ها را بخش جدا نشدنی از ملودی خواهند دانست. به‌همین دلیل یک قطعه را همیشه به همان شکل نخستین که یاد گرفتند، می‌نوازند و اندیشه‌ی آن‌ها به سختی می‌پذیرد که می‌شود آن را گونه‌ای دیگر نواخت.

(۲) زینت‌ها و حالت‌ها در موسیقی ایرانی در قالب‌های مشخصی شکل گرفته‌اند و ممکن است در طول یک قطعه بارها تکرار شوند و اگر هر بار آن‌ها را با استفاده از نت بنویسیم پیامدی جز پیچیدگی، شلوغی، عدم درک صحیح نوازنده از چهارچوب اصلی قطعه و دشواری در به خاطر سپردن و اجرای آن به همراه نخواهد داشت.

اما به‌کارگیری روش دوم یعنی نوشتن زینت‌ها با استفاده از نشانه‌هایی ویژه که بر روی نت اصلی قرار می‌گیرند، سبب خواهد شد تا بتوانیم ضمن بیان زینت‌ها و حالت‌ها، جانمایه‌ی اصلی قطعه را که همان نت‌هاست ثبت نموده و منظور نویسنده را به‌آسانی انتقال دهیم؛ به‌طوری که نوازنده می‌تواند در ابتدا تمامی نشانه‌ها را نادیده بگیرد و با نواختن اصل ملودی که بسیار ساده معرفی شده است، با متن قطعه آشنا شده، کلیات آن را دریابد و در انتها با به‌کار بستن علامت‌ها و زینت‌ها، نواخته‌ی خود را به حد کمال و یا آنچه نویسنده مدنظر داشته است، نزدیک کند. در این روش اگر چه ممکن است نوازنده در ابتدا با نشانه‌هایی متعدد روبرو شده و کمی سردرگم شود؛ ولی اگر این نشانه‌ها بر اساس منطقی روشن و ترتیب و دسته‌بندی مشخص، طراحی و به‌کارگرفته شده باشند با صرف کمی وقت و حوصله می‌توان آن‌ها را به راحتی درک نمود و پس از آن، خواندن و اجرای موضوع بسیار ساده خواهد بود. یادآوری می‌شود علامت‌های زیادی هم که استاندارد شده و امروزه با پذیرش همگان به‌صورت گسترده استفاده می‌شوند، روزی غریب و ناآشنا بوده و نوازندگان برای یادگیری آن‌ها وقت و تلاشی بسیار صرف نموده‌اند؛ و اگر نبود این قابلیت‌های نوشتن و همچنین پذیرش همگان، هیچ‌کدام از آثار موسیقی ثبت‌شدنی نبود.

برخی معتقدند که دقایق موسیقی ایرانی نوشتنی نیست و باید قطعه را به شکل ساده نوشت و بقیه را به عهده‌ی نوازنده گذاشت تا بر اساس شناخت، توانایی، سلیقه و تجربه‌ی خود، آن را اجرا نماید. دیده می‌شود که روش دوم، مقصود آنان را نیز تأمین می‌کند؛ زیرا نوع کار به ترتیبی است که آن‌ها می‌توانند با نادیده‌گرفتن نشانه‌ها همان چیزی را که مد نظر دارند ببینند و بدون هیچ نگرانی از کم و کاست مطلب نوشته شده، آن را مطابق میل خود اجرا کنند.

فکر به‌کارگیری نشانه‌های ویژه برای نشان دادن حالات موسیقی ایرانی موضوعی جدید نیست. از زمانی که کلنل وزیری با اضافه کردن دو علامت (♯) و (♭) به خط نت، نخستین گام‌ها را برداشتند تا به امروز که استادان و هنرمندانی چون حسین علیزاده، داریوش طلایی، مسعود شعاری و ... هر کدام، نشانه‌هایی جدید را معرفی کردند، همه بر این باور بوده‌اند که موسیقی ایرانی را می‌توان بهتر نوشت. وجود همین زمینه‌ی مناسبی که دیگران ساخته‌اند و همچنین تأکید بر ثبت و انتقال تمام ویژگی‌های پیچیده‌ی مکتب سه‌تارنوازی ذوالفنون، سبب شد که در مجموعه‌ی حاضر برای معرفی علامت‌های جدید جسارت بیشتری شود، ولی هرچه صورت گرفته، گامی است دیگر در مسیر آنچه دیگران انجام داده‌اند. البته در این کتاب برای معرفی فن نوازندگی این مکتب، فقط بخشی از راه را طی کرده‌ایم و امید داریم این خود بستری مناسب برای تلاش‌های بعدی در معرفی جامع آن باشد.

برتری روش دوم سبب شد در تدوین این کتاب از آن استفاده شود، ولی به هیچ‌روی ادعا نمی‌شود که نشانه‌های معرفی‌شده برای بیان تمام ویژگی‌های موسیقی ایرانی و مکتب ذوالفنون کافی است، ولی خود گامی است بلند و دیگران می‌توانند قدم‌های بعدی را تا رسیدن به کمال بردارند. بی‌تردید، رسیدن به سرمنزل مقصود، همکاری و همدلی استادان فن را می‌طلبد و امید است ثبت این مجموعه، حرکتی مؤثر در این راه باشد.

هنگام تدوین این کتاب نکاتی چند مد نظر قرارگرفته است که به شرح آن می‌پردازیم:

(۱) در طراحی نشانه‌ها، تلاش شده است تا شکل ظاهری آن‌ها با حرکت فیزیکی تکنیک اجرا شده، هماهنگ باشد؛ مانند علامت ویبراسیون عمودی (↕) ، ویبراسیون افقی (↔) و یا درآب (ᴧ) ؛ که حاصل دو سرمضراب راست و چپ سریع و ظریف و یک مضراب راست قوی است. البته از نشانه‌هایی که پیش از این توسط دیگران طرح شده است به‌رسم احترام و امانت‌داری و همچنین پرهیز از گونه‌گونی، بدون هیچ تغییری استفاده شده است. مانند: («) ، (∩) و (ϑ). فقط در مواردی خاص که اقتضای منطق نوشتاری این کتاب بوده، تغییراتی در شکل آن‌ها داده شده است. به‌عنوان مثال هنرمند گرامی، مسعود شعاری علامت (↓) را مطرح نمودند که در این کتاب برای جلوگیری از اشتباه با نشانه‌های ویبراسیون به (∟) تبدیل شده است. در مواردی هم نشانه‌ها گسترش یافته‌اند، مانند علامت اشاره به بالا («) و پائین (») که ابداع هنرمند ارجمند، داریوش طلایی است و در این کتاب علاوه بر آن‌ها از نشانه‌های («) ، (») ، («v) ، (»v) و... هم استفاده شده است.

(۲) در مواردی که تکنیک یا زینتی حاصل ترکیب تکنیک‌ها و زینت‌های دیگر باشد نشانه‌های مربوط به آن نیز از ترکیب نشانه‌های همان تکنیک‌ها به‌دست آمده است؛ و این خود به آسانی یادگیری و خوانا بودن قطعه کمک شایانی کرده است؛ مانند: (𝅘𝅥𝅯) که معنی آن نواختن مضراب راست و بلافاصله کندن سیم، روی همان نت است. در مواردی هم که حالات گوناگونی از اجرای یک زینت وجود دارد، شکل کلی نشانه‌ی آن ثابت بوده و تنها در جزئیات با هم اختلاف پیدا کرده‌اند. مانند انواع کنده‌کاری‌ها: (𝅘𝅥𝅯) ، (𝅘𝅥𝅯) ، (𝅘𝅥𝅯) و... که شکل اصلی آن‌ها طراحی آقای مسعود شعاری است؛ و یا درآب‌ها: (𝅘𝅥𝅯) ، (𝅘𝅥𝅯) ، (𝅘𝅥𝅯) و... که شکل نخستین آن از استاد ذوالفنون است و در این‌جا گسترش یافته‌اند.

(۳) جز در مواردی نادر که به شیوه‌ی آموزشی این اثر آسیب می‌رسید، در سایر موارد کوشش شده است تا نت‌های نوشته شده با اجرای صوتی منتشر شده‌ی آن‌ها همانند باشد تا هنرجویان و علاقه‌مندان بتوانند معنی و مفهوم نوشته‌ها را بهتر درک کنند.

بارزترین ویژگی این روش نت‌نویسی این است که مطلب نوشته شده برای تمامی سطوح نوازندگی از مبتدی تا حرفه‌ای قابل بهره‌گیری است. برای روشن شدن این نکته نمونه‌ای بیان می‌کنیم:

در گوشه‌ی کرشمه (صفحه‌ی ۲۰) دیده می‌شود که به‌ندرت نتی بدون نشانه و زینت نوشته شده است و جانمایه‌ی گوشه هم فقط نت‌های چنگ و سیاه است؛ به‌طوری که فردی مبتدی می‌تواند تمامی زینت‌ها و نشانه‌ها را نادیده بگیرد و اصل ملودی کرشمه را بنوازد؛ سپس برابر با توانایی تکنیکی خود کم‌کم و یکی‌یکی از نشانه‌های نوشته شده برای زیباتر شدن نواخته‌ی خود بهره بگیرد. به‌طور نمونه، این بار فقط درآب‌ها را اجرا کند و پس از تسلط به آن، ویبراسیون‌ها را هم اجرا کند و همین‌گونه تا انتها می‌تواند با اجرای تمامی نشانه‌ها و زینت‌ها، نواخته‌ی خود را به کمال برساند.

بخش عمده‌ی این مجموعه را ردیف شور میرزا عبدالله تشکیل می‌دهد و در انتها هم تعدادی از ساخته‌ها و نواخته‌های استاد ذوالفنون قرار دارد. با توجه به اینکه ردیف میرزا عبدالله بارها نوشته شده است، وجود سه دلیل سبب شد در این کتاب، بار دیگر بخشی از آن آورده شود.

(۱) ردیف، دائرةالمعارف موسیقی ایران است؛ و از این رو بستری است مناسب برای معرفی تکنیک‌ها، زینت‌ها و حالات این موسیقی.

(۲) نوازندگانی که مراحل ابتدایی را پشت سرگذاشته‌اند، همگی با ردیف آشنا هستند و با توجه به این‌که اصل مطالب را در ذهن خود دارند، به‌سادگی می‌توانند رابطه‌ی نشانه‌های مورد نظر را با مفهوم جمله‌ها درک نمایند.

(۳) همگان می‌دانند که صاحب این مکتب، موسیقی را بی‌واسطه از سرچشمه‌های زلالی چون موسی معروفی، یوسف فروتن، سعید هرمزی، داریوش صفوت، نورعلی برومند، روح‌الله خالقی، محمود ذوالفنون و... درک کرده است و ویژگی منحصر به فردش، نیم قرن تمرکز بر روی ساز سه‌تار است؛ از این جهت می‌توان او را شایسته‌ترین راوی ردیف موسیقی از زبان سه‌تار دانست و علاقه‌مندان می‌توانند مناسب‌ترین مضراب‌ها، ترکیب‌بندی‌ها و حالات ردیف را برای سه‌تار در کتاب حاضر ملاحظه نمایند.

اما آن‌چه در این مجموعه معرفی شده است، به این معنی نیست که در مکتب ذوالفنون همیشه ردیف را به این صورت می‌نوازند؛ بلکه هدف، معرفی این سبک نوازندگی است؛ و پس از درک آن، به‌کارگیری جزئیات، به سلیقه و خواست نوازنده خواهد بود. خود استاد هم هر بار که ردیف یا قطعه‌ای می‌نوازند با دفعه‌ی قبل تفاوت دارد، ولی این تفاوت در جزئیات است و بستگی به موقعیت آن لحظه دارد؛ موقعیت درونی و برونی. به هنگام ضبط این اثر، بارها پیش آمد که به علت اشکال در ضبط و نیز به سبب آموزشی بودن اجرا، از استاد می‌خواستم قطعه را دوباره بنوازند؛ و با این‌که تنها لحظاتی چند فاصله می‌افتاد، جزئیات نواخته‌ی دوم با قبلی تفاوت‌های زیاد داشت؛ و این نکته، گویای وسعت دریای معرفت ایشان به موسیقی است که هر بار جرعه‌ای از آن را به کام ما می‌ریزد.

در ادامه، لازم است از زحمات تمامی عزیزانی که با کمک‌های فکری و عملی خود، راه‌گشای انجام این کار دشوار بودند، سپاس‌گذاری شود. آقای یمین غفاری، به جهت همکاری صمیمانه‌شان در تدوین کتاب، آقای امیرخسرو کاظم، که طرح جلد کتاب از ایشان است؛ و به‌ویژه خانم هیلا فیض‌پور، که در نت‌نویسی این مجموعه نهایت سعی و سلیقه را صرف نمودند.

در پایان از تمامی علاقه‌مندان درخواست می‌شود هرگونه دیدگاه، پیشنهاد و انتقاد خود را از طریق سایت رسمی استاد ذوالفنون به آدرس اینترنتی www.zolfonoon.ir با ما در میان بگذارند تا در رفع کاستی‌ها از آن‌ها سود بریم.

سیّدبهزاد جعفری

اردیبهشت ۸۸